

دکتر باقرپور کاشانی



علت تبعید امام هادی و امام عسکری (علیهما السلام) به سامراء

علت تبعید امام هادی و امام عسکری

علیهما السلام به سامراء

به هنگام تولد امام مهدی علیه السلام در شهر سامراء، حدود ۳۵ سال از ساختن آن شهر که در کنار ویرانه‌های شهر قدیم بنا شده بود می‌گذشت؛ با این‌که به عنوان پایتخت دوم، برای خلافت بغداد ساخته شده بود، از همان آغاز مقر خلیفه عباسی شد. معتصم عباسی، هشتمین خلیفه بنی عباس، که خلافت او از سال ۲۱۸ آغاز شد، به ساختن این شهر فرمان داد و سپس خود بدان‌جا انتقال یافت و بدین گونه سامراء مرکز خلافت گردید. در مورد سامراء من یک توضیح بدهم، قبل از معتصم عباسی، پایتخت، بغداد بوده؛ این‌ها می‌آیند چه کار می‌کنند؟ سامراء یک محلیست بین تکریت و بغداد است، این سامراء در سال ۲۲۱ هجری قمری، گفتم در دوران حکومت معتصم که فرزند هارون الرشید بوده، می‌آید پایتخت را از بغداد می‌آورد سامراء، و منتقل می‌کند؛ تا سال ۲۷۶ پایتخت سامراء بوده، بعد باز منتقل می‌شود، پس زمان طولانی این پایتخت بوده. علت انتقالش چه بوده؟!

علت انتقال این بوده که معتصم سپاهیان زیادی از ترک و جذب می‌کند، و بغداد ظرفیت پذیرش این همه سپاه ترک و نداشته، یک شهر مخروبه‌ای بوده سامراء، می‌آید در کنار آن دژ می‌سازد و این‌جا را می‌کند پایتخت، خودش هم می‌رود آن‌جا و سربازان بسیاری را آن‌جا، سربازان ترک و آن‌جا جذب می‌کند و سامراء می‌شود آن‌جا به عنوان پایتخت! جمعی گفتند که خب چرا بغداد؟ می‌گویند علاوه‌بر این که ظرفیت نداشت، خلیفه دلسوز مردم بود؛ گفته بود معنی ندارد که سپاه نظامی بیاید در بغداد مردم را اذیت بکند، بگذار برویم یک جایی که از اول بسازیم برای سپاهیان. خب ببینید در این جریانی که هست، می‌آیند موقعیتی که می‌سازند خود خلیفه هم هست، حضرت هادی علیه‌السلام را می‌آورند آن‌جا، در همین دژ که زیر نظر سربازان بوده، حضرت هادی علیه‌السلام را می‌آورند آن‌جا و خفقان عجیبی بوده در زمان حضرت هادی علیه‌السلام! در تاریخ دیدم مثلاً یک شیعه وقتی رد می‌شده از جلوی خانه حضرت هادی علیه‌السلام، نگاه به خانه می‌کرده، نگاه معناداری می‌کرده، می‌گفتند این را بگیرید! یعنی ملاقات‌ها قطع، ارتباط حضرت هادی با مردم محدود، حضرت عسکری علیه‌السلام هم در همین خانه بوده و حضرت بقیه‌الله علیه‌السلام هم در همین خانه بوده است.

لذا شما وقتی سامراء می‌روی، مرقد مطهر حضرت هادی علیه‌السلام، حضرت عسکری علیه‌السلام، حضرت نرجس و حکیمه که آن‌جاست، آن‌جا در اصل خانهٔ امام هادی علیه‌السلام بوده، حرم نه به این بزرگی، یک خانه‌ای بوده و امام هادی و امام عسکری و حضرت صاحب‌الزمان و حضرت نرجس و حضرت حکیمه آن‌جا زندگی می‌کردند و وقتی حضرت هادی علیه‌السلام را شهید می‌کنند، همان‌جا دفن می‌کنند. پس این روشن بشود که آن‌جا در یک دژ نظامی بوده، یک پادگان بوده سرباز داشتند زیر نظر داشتند؛ خانم‌هایی را حکومت می‌فرستاده که با زن‌های امام هادی علیه‌السلام، با حضرت حکیمه، حضرت نرجس با خانم‌های دیگر که رفت و آمد داشتند بررسی بکنند ببین که آیا خانمی مشخص است که وضعیت حمل دارد یا نه! که خبر بدهند، اعتماد را می‌خواستند جلب بکنند که به مجردی که اطلاع بدهند، این‌ها بریزند آن زن و آن فرزند را بکشند؛ مثل ماجرای حضرت موسی! یعنی دقیقاً ببینید در ماجرای حضرت موسی در قرآن و احادیث می‌گویند نعل به نعل اتفاقاتی که در اُمم قبل افتاده، در امت اسلامی هم اتفاق می‌افتد.

در ماجرای حضرت موسی چه اتفاقی افتاد؟

آن کسانی که اطلاع داشتند، سحر می‌دانستند، نجوم می‌دانستند، آمدند از طریق طالع، مطلع کردند فرعون را، گفتند یک فرزندی یک پسری، به زودی به دنیا می‌آید و این باعث می‌شود حکومت تو را از بین می‌برد، خودت هم از بین می‌بردا! خب ببینید این‌ها این‌قدر نمونه‌هایی پیش‌گویی می‌کردند می‌دیدند درسته، فرعون اعتماد می‌کرده به این‌ها! اکنون هم هستند، خیلی کمند؛ اکنون در این زمینه هستند ها! ولی بیشتر دكون دستگاه است، آن کسی که آن‌قدر مسلط باشد بخواهد با جن به تو خبر بدهد، یا با طالع یا با ستاره‌ها بخواهد خبر بدهد اکنون کمند، چون یک ریاضت‌های خاصی دارد، علوم خاصی دارد، تخصص خاصی دارد، کار سختی‌ست! این‌ها آمدند به فرعون گفتند آقا یک فرزندی به دنیا می‌آید، چیکار کرد فرعون؟

گفت آقا هر پسری که به دنیا آمد، بکشیدش!

چند هزار پسر و پسر تازه به دنیا آمده را سر بریدند! می‌دیدند زن حامله‌ست، شکمش را پاره می‌کردند می‌دیدند اگر پسر هست سرش را می‌زدند! اگر دختر بود، ولش می‌کردند. می‌خواهد بگوید آن اتفاق که دقیقاً افتاد، چرا؟

روی اخباری که از کهنه به دست آورده بودند، حالا همین اخبار را این عباسی‌ها از کتب پیشین، افرادی داشتن وارد بودند، این کاره بودند، می‌دیدند از کتاب‌ها پیش‌گویی می‌شود، استفاده می‌شود، از روایات معتبر پیامبر، مهدی از حضرت عسکری به دنیا می‌آید؛ آمدند زودتر مقدمه‌چینی کردند حضرت هادی را آوردند، حضرت عسکری علیه‌السلام هم آن‌جا بود، حضرت عسکری علیه‌السلام هم سن کمی داشتند، ۲۹ سال بود دیگر! ۲۸ یا ۲۹ سال بودند که بعد حضرت صاحب‌الزمان، که به مجردی که امام زمان علیه‌السلام به دنیا بیاد بکشند! چرا؟

چون شنیده بودند که طاغوت و این از بین می‌برد، غاصبین را از بین می‌برد، این‌ها خودشان می‌دانند وضعیت خودشان چه‌جوری‌ست!

امام دهم ۲۰ سال در این شهر تحت نظر و زندانی بود، و سپس امام یازدهم در آن‌جا تحت نظر و زندانی به سر می‌برد، به هنگامی که ولادت مهدی علیه‌السلام نزدیک گشت و خطر او در نظر جبّاران قوت گرفت، درصدد برآمدند تا از پدید آمدن این نوزاد جلوگیری کنند و اگر پدید آمد و بدین جهان پای نهاد، او را از بین بردارند.

بدین علت بود که چگونگی احوال مهدی علیه السلام، دوران حمل و سپس تولد او، همه و همه از مردم نهان گشته بود.

ببینید نکته این است که آن روایت‌هایی که شما می‌خوانید، دقیقاً همان اتفاقاتی‌ست که خدا حفظ کرد مادر حضرت موسی را، و به دنیا که آمد گفت این را در صندوقچه‌ای بگذار بنده‌اش به نیل، و باز خدا این بچه را حفظ کرد، آمد کنار کاخ فرعون، محبت این بچه در دل فرعون و زن فرعون افتاد، با این‌که همه می‌گفتند آقا از کجا معلوم این پسر، از کجا معلوم، دلش نیامد، این آمد در خود قصر فرعون رشد کرد و فرعون را از بین برد.

در مورد حضرت نرجس این‌گونه آورده وقتی امام حسن عسکری علیه السلام می‌گوید عمه جان! امشب آن مهدی به دنیا خواهد آمد، می‌گوید از کدام همسرت داری می‌گویی؟ می‌گوید از نرجس! می‌گوید اصلاً اثر حمل نیست در نرجس! می‌گوید شما صبر کن، همان خدا حفظش می‌کند، خدا بخواهد چنین جریانی... لذا اینجا نکته‌ای که می‌گوید بالاخره وقتی یک زنی حامله باشد، یک خانمی که می‌آید رؤیت می‌کند می‌بیند دیگر...

متوجه می‌شود اما این‌جا می‌گوید احوال مهدی دوران حمل و سپس تولد او همه و همه از مردم نهان گشته می‌شد، و جز چند تن معدود از نزدیکان یا شاگردان و اصحاب خاص امام عسکری علیه‌السلام، کسی او را نمی‌دید؛ آنان نیز مهدی را گاه به گاه می‌دیدند، حتی آن خصیصین این‌گونه نبوده که حضرت مهدی را ببینند، اما همین که یقین بشود که بعد از حضرت عسکری علیه‌السلام بگویند ما این بچه را دیدیم، و این‌که در یک برهه‌ای بعد شهادت، حضرت مهدی علیه‌السلام خودش را نشان می‌دهد، بعد غیبت صغری اتفاق می‌افتد؛ یعنی برای همه مسجل می‌شود حضرت مهدی علیه‌السلام که وجود دارد، اما تا قبل شهادت حضرت عسکری علیه‌السلام می‌دیدند، خصیصین می‌دیدند، افراد خاص می‌دیدند، آن‌ها هم این‌طوری نبوده که هر روز بخواهند ببینند، گه‌گاهی نشان می‌دادند که اتفاقی نیفتد مثلاً برای آقا، نه پیوسته و به صورت عادی، [این‌گونه] نوشتند.



@aparat.com/be
_sooye_zohoor



v_bagherpour_
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-
kashani.com/



@serat12k



youtube.
com/c/seratehagh



https:
//naakhodaa.ir